

الله أكبر

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان‌نامه آقای محمد ترمس تحت عنوان: "تبیین و نقد رویکرد متنی و فرامتنی (ابرمتنی) به فهم دینی و دلالت‌های آن در تربیت دینی" را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر سید مهدی سجادی		
۲	استاد مشاور	دکتر خسرو باقری	استاد	
۳	استاد مشاور	دکتر محمد عطاران		
۴	استاد ناظر	دکتر محسن ایمانی		
۵	استاد ناظر	دکتر علیرضا صادق زاده		
۶	استاد ناظر	دکتر ابراهیم عیسی زاده		
۷	استاد ناظر	دکتر سعید ضرغامی		
۸	نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن ایمانی		

آئین نامه پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی پژوهشی دانشگاه است. بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر "دفتر نشر آثار علمی" دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

"کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری / تبیین و نقد رویکرد متنی و فرامتنی (ابرمتنی) به فهم دینی و دلالت های آن در تربیت دینی، نگارنده در رشته فلسفه تعلیم و تربیت است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر سید مهدی سجادی، مشاوره دکتر خسرو باقری و دکتر محمد عطاران از آن دفاع شده است.

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به "دفتر نشر آثار علمی" دانشگاه اهداء کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تادیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت های بهای خسارت، دانشگاه مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند، به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب محمد ترمس دانشجوی رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی مقطع دکتری تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

محمد ترمس

تاریخ و امضا



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله برای دریافت درجه دکتری تخصصی
رشته فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

عنوان رساله:

تبیین و نقد رویکرد متنی و ابرمتنی به فهم دینی ودلالات های آن در تربیت دینی

نگارنده
محمد ترمس

استاد راهنما
دکتر سید مهدی سجادی

استاد مشاور اول
دکتر خسرو باقری

استاد مشاور دوم
دکتر محمد عطاران

خردادماه ۱۳۸۹

تقدیم به

پدر و مادرم که زیباترین واژگان را باید فراخوانم

تا سرود سپاسشان را بسرایم

تقدیم به

همسرو فرزندم که به خاطر من رنج غربت را تحمل کردند

و نیز تقدیم به

روح پرفتوح برادرانم که خاطرشان در تمام لحظات نگارش این پایان نامه همراهیم کردند.

سپاس و تشکر

هر کار علمی ، حاصل تلاش و همکاری گروهی از افراد است. لذا بر خود لازم می دانم از همه عزیزانی که مرا در این تحقیق یاری رساندند، تشکر ، و برای آنها در تمامی مراحل زندگی آرزوی موفقیت و معنویت کنم.

از جناب آقای دکتر سید مهدی سجادی که با سعه صدر، و بردباری بنده را راهنمایی فرمودند ، و از استادان دکتر خسرو باقری و دکتر محمد عطاران که نقش مشاوران تحمل فرمودند. همچنین از استادان محترم گروه تعلیم و تربیت دانشگاه تربیت مدرس آقایان: دکتر ایمانی، دکتر مهر محمدی و دکتر فردانش به دلیل تشویق و تدریس به اینجانب در طول سه سال گذشته و از دوستم مصطفی مهرآیین که مرا در برخی مراحل نوشتن این تحقیق یاری کرد.

همچنین از پدر و مادر مهربانم که در تمامی مراحل تحصیل، مشوق و راهنمایم بودند و از همسر عزیزم که دریایی از محبت ، مهربانی و وفاست.

همچنین، عزیزانی که این کار با یاری و تشویق آنان به انجام رسید بویژه آقای محمد مظهري که ویرایش این پژوهش به عهده گرفتند ، برادرم سید محمد حسن، و دوستانم ابو یاسر، بلال سلمان و محمد فوعانی تقدیر و تشکر می کنم.

چکیده

در عصر حاضر با ظهور اینترنت تحولات عظیمی در عرصه های زندگی بشر پدید آمده است. یکی از این عرصه های مهم تعلیم و تربیت است. پژوهش حاضر در صدد تبیین نظریه ابرمتن و نقش آن در عرصه تعلیم و تربیت دینی است. طرفداران این نظریه - به خصوص جورج لاندو - مدعی اند که ابرمتن با نظریه پست مدرنیسم و پساساختارگرایی همگرایی دارد و اینکه ابرمتن معرفت شناسی این نظریه را محقق و عملی می کند. بدین ترتیب، طرفداران این نظریه ابرمتن را به عنوان نماد عصر پسامدرنیسم در مقابل متن چاپی به عنوان نماد عصر مدرنیسم قرار دادند. نظریه های پست مدرنیسم و پساساختارگرایی با نقد مدرنیسم، هر نوع فراروایت و وجود حقیقت مطلق را رد کرده و در مقابل فضایی از نسبی گرایی و کثرت گرایی مبتنی بر اصالت زبان را به وجود آورده اند. حتماً این چنین فضایی فهم دینی و تربیت دینی را با چالش های اساسی مواجه می کند. در این پژوهش اولاً همگرایی جبرگرایانه بین ابرمتن و نظریه پست مدرنیسم و پساساختارگرایی مورد نقد قرار گرفته، و به نظریه های رسانه - بازار گرایی و تقدیرگرایی - اشاره شده است. سپس رویکردهای هرمنوتیک عینی گرایی و تاریخ گرایی نسبت به فهم دینی، صرف نظر از قالب متنی - چه متن چاپی چه ابرمتن، و امکان ایجاد رویکرد تلفیقی مورد بررسی واقع شده اند. بدین ترتیب، به دلالت های رویکرد هرمنوتیکی تلفیقی (بین رویکرد هرمنوتیکی عینی گرایی و تاریخ گرایی) برای تعلیم و تربیت دینی پرداخته شده است. اما با اینکه رابطه ماهیت گرایانه ابرمتن و نظریه پساساختارگرایی رد شده، نباید از اقتضات آن به عنوان فناوری و پیامدهای آن برای تعلیم و تربیت دینی غافل شد. در این رساله همچنین به چالش هایی که ابرمتن می تواند برای تربیت دینی به وجود آورد، اشاره می شود.

کلید واژه ها: متن، ابرمتن، پست مدرنیسم، پساساختارگرایی، تربیت دینی، هرمنوتیک عینی

گرا، هرمنوتیک تاریخ گرا، رویکرد تلفیقی فهم دینی، چالش ها.

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
		فصل اول
		مقدمه و کلیات طرح تحقیق
۲	مقدمه
۵	۱-۱- بیان مسئله
۹	۲-۱- بیان سؤال های اصلی تحقیق
۱۰	۳-۱- فرضیه ها
۱۰	۴-۱- روش تحقیق
۱۱	۵-۱- هدفها
		فصل دوم
		مبانی نظری و پیشینه پژوهشی
۱۲	مقدمه
۱۳	۱-۲- مبانی نظری
۱۳	۲-۱-۱- متن و ابرمتن به عنوان دو رسانه
۱۴	۲-۱-۱-۲- تاریخچه ظهور متن چاپی
۱۵	۲-۱-۱-۲- تاریخچه ظهور متن الکترونیکی یا ابرمتن
۱۸	۲-۱-۱-۳- متن و ابرمتن از دیدگاه رسانه ای
۱۹	۲-۱-۳-۱- دیدگاه ابزارگرایی
۲۰	۲-۱-۳-۲- دیدگاه خودمختاری یا ماهیت گرایی
۲۲	۲-۱-۴- ویژگی های متن و ابرمتن
۲۳	۲-۱-۴-۱- ویژگی های متن چاپی
۳۲	۲-۱-۴-۲- ویژگی های ابرمتن
۶۶	۲-۱-۲- رسانه و فهم دینی
۶۶	۲-۱-۲-۱- نسبت رسانه و دین
۷۰	۲-۱-۲-۲- تعریف مفهوم دین
۷۳	۲-۱-۲-۳- فهم دینی
۷۷	۲-۱-۳- تربیت دینی

۸۰ ۲-۲- پیشینه پژوهشی

فصل سوم مسئله فهم دینی و فهم هرمنوتیکی به متن و ابرمتن

۸۹ مقدمه

۹۱ ۱-۳- فهم متن و ابرمتن و رویکردهای آن

۹۱ ۱-۱-۳- ضرورت اعمال فهم هرمنوتیکی در ابرمتن

۹۲ ۲-۱-۳- رویکرد عینی گرایی

۹۳ ۱-۲-۱-۳- معرفت عینی گرایی در قرون وسطی

۹۶ ۲-۲-۱-۳- تأثیر مدرنیته بر فهم دینی

۹۷ ۱-۳-۲- انتقال از بازنمایی حقایق به قصد گرایی

۹۹ ۱-۳-۲-۴- هرمنوتیک مدرن

۱۰۰ - هدف درک فردیت مؤلف

۱۰۱ - بازسازی یا بازتولید معرفت

۱۰۳ - نقش زبان در فهم

۱۰۵ ۱-۳-۲-۵- نحله ساختارگرایی

۱۰۷ ۱-۳-۲-۵-۱- ساختار چیست؟

۱۰۸ ۱-۳-۲-۵-۲- فهم متن محوری یا درون ساختار

۱۱۰ ۱-۳-۳- رویکرد تاریخ گرایی

۱۱۰ ۱-۳-۱-۳- هرمنوتیک فلسفی یا چرخش فلسفی

۱۱۰ ۱-۳-۱-۳- فهم جدید از هستی

۱۱۲ ۱-۳-۲-۱- نسبت هستی و زبان

۱۱۴ ۱-۳-۱-۳- چگونگی فهم

۱۱۶ ۱-۳-۱-۳-۱- امتزاج افقها

۱۱۹ ۱-۳-۲- پسا ساختارگرایی

۱۲۰ ۱-۳-۲-۱- معرفت زبانی، فرهنگی یا منظرگرا

۱۲۳ ۱-۳-۲-۲- معرفت حاصل گفتگو

۱۲۳	- معرفت حاصل گفتگو با متن های دیگر
۱۲۸	- خواندن متن فعالیت تولیدی
۱۳۰	۳-۳-۱-۳- شالوده شکنی دریدایی
۱۳۳	۲-۳- نسبت فهم دینی و رویکردهای هرمنوتیکی
۱۳۴	۳-۲-۱- چالش های رویکرد تاریخ گرایی به فهم دینی
۱۴۵	۳-۲-۲- فهم دینی مؤلف محور/متن محور
۱۴۵	۳-۲-۲-۱- متن دینی و زایش معنا
۱۴۷	۳-۲-۲-۲- معنای استعمالی و معنای کاربردی
۱۴۹	۳-۲-۲-۳- رمز گذاری اضافی
۱۵۱	۳-۲-۲-۴- جمع بندی

دالتهای تعلیم و تربیت دینی مبتنی بر فهم هرمنوتیکی متن (با رویکرد تلفیقی)

فصل
چهارم

۱۵۶	مقدمه
۱۵۷	۴-۱- مفهوم تربیت دینی و رابطه آن با رویکرد هرمنوتیکی تلفیقی
۱۵۹	۴-۱-۱- رویکرد عینی گرایی و مفهوم تعلیم و تربیت دینی
۱۶۰	۴-۱-۲- رویکرد تاریخ گرایی و مفهوم تعلیم و تربیت دینی
۱۶۲	۴-۱-۳- رویکرد تلفیقی و مفهوم تعلیم و تربیت دینی
۱۶۴	۴-۱-۳-۱- مبانی تعلیم و تربیت دینی در سطح هستی شناسی
۱۶۵	۴-۱-۳-۲- در سطح معرفت شناسی
۱۶۷	۴-۱-۳-۳- در سطح انسان شناسی
۱۶۸	۴-۲- اصول تعلیم و تربیت دینی متناسب با رویکرد تلفیقی
۱۶۸	۴-۲-۱- بازنمایی
۱۷۰	۴-۲-۲- تعلیم و تربیت دینی اقتدارگرا، سلسله مراتب یا پلکانی و ابداعی
۱۷۴	۴-۲-۳- انضباط و کنترل
۱۷۵	۴-۳- یادگیری مادام العمری و سؤال محوری

۱۷۶۴-۴- برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی چندگانه و تلفیقی.....	
۴-۵- محاسن و معایب متن چاپی و ابرمتن نسبت به تعلیم و تربیت - با تأکید	
۱۸۷بر تربیت دینی.....	
۱۸۱۴-۵-۱- محاسن متن چاپی	
۱۸۱۴-۵-۲- کمبودهای متن چاپی	
۱۸۵۴-۵-۳- محاسن ابرمتن.....	
۲۰۵۴-۵-۴- معایب ابرمتن.....	
۲۲۰نتیجه گیری و پیشنهادات.....	فصل پنجم
۲۳۵فهرست منابع و مآخذ	
۲۵۸چکیده انگلیسی	

فصل اول :

مقدمه و کلیات

طرح تحقیق

مقدمه:

برخی ادعا دارند تاریخ ثابت کرده است که هر تغییری در فناوری شناختی به دگرگونی در رابطه ما با معرفت و سرانجام در نگاه مان نسبت به خود، منجر می شود. (Heim, 1993, p.vi) از نیمه دوم قرن بیستم، ما شاهد هستیم که ظهور عصر اطلاعات و گسترش شبکه اینترنتی جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده است. یکی از این فناوری های مربوط به کامپیوتر و اینترنت، ظهور ابرمتن^۱ است. از آن زمان، واژه "چاپی" کم کم جای خود را به واژه "الکترونیکی"^۲ داد. در حالی که انتشارات چاپی سرمایه گذاری خواننده^۳ را کوچک می شمرد، پردازش کلمه^۴ سرمایه گذاری بر نویسنده را کاهش داد. این ابزار جدید پردازش فکر^۵ برای افزایش تفکر انسانی ظهور کرده است (Ibid, p.vii). هرچه پردازش کلمه به وظیفه سنتی نوشتن سرعت بخشد، ابرمتن توالی خطی تفکر مد نظر کلمه چاپی را درهم می شکند. در این رسانه جدید، خواننده تشویق می شود راجع به نظم/سیستم ارائه، به گونه ای متفاوت از آنچه که نویسنده می خواهد، تصمیم بگیرد. بدین ترتیب، ابرمتن به کاربر/یادگیرنده/خواننده توانایی غوطه ور شدن در اقیانوسی از اطلاعات را می دهد؛ اما به این اکتفا نمی کند، بلکه می خواهد مسافران این فضا تجربه و معرفت جدیدی را کسب کنند. به عبارت دیگر آنها باید با برخوردشان با این اطلاعات معنای خاص خود را بسازند. این مسئله اقتضا می کند که مسافران از یک سو شرکت کنندگان فعالی باشند، و از سوی دیگر خود ابرمتن باید ظرفیتها و ویژگیهایی داشته باشد که فضایی از تعامل آزاد و دمکراسی بین مسافران و اطلاعات، بین خودشان،

¹ - Hypertext

² - Electronic Word

³ - The reader's investment

⁴ - Word processing

⁵ - Thought processing

و بین این مسافران و معلمان/نویسندگان را برقرار سازد. مدعیان نظریه ابرمتن، امثال لاندو، بالتر، مالثروپ و دیگران معتقدند که در فضای ابرمتن باید به اطلاعات همچون زمینه یا بافت معرفتی نگاه شود، نه به عنوان معرفت ثابت.

در ابتدا، ضروری است توضیحی راجع به مفهوم ابرمتن ارائه شود. معمولاً در بحث ابرمتن، ابررسانه^۱ به عنوان نتیجه فرعی ابرمتن محسوب می شود و هر دو تحت عنوان ابرمتن مورد بررسی قرار می گیرند (Ibid). تد نلسن^۲ بود که در سال ۱۹۶۱ واژه های ابرمتن و ابررسانه را برای فضایی از نوشتن و خواندن ابداع کرد که در آن، متن ها، تصاویر و صداها به صورت الکترونیکی به هم اتصال می یابند و به وسیله کاربرانی که در شبکه های مجازی عرضه کننده اطلاعات هستند، به هم مرتبط می شوند. محیط ابرپیوندی نلسن منشعب و غیر متوالی است و به خوانندگان و نویسندگان اجازه می دهد تا راه خود را از میان اطلاعات انتخاب کنند. مفاهیم او به طور بدیهی، انتقال شبکه ای فایل ها و پیام ها را بر روی اینترنت تسریع می کند. (قاسمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲) بنابراین، ابرمتن می تواند تعاملی و پاسخگوی خوبی برای نیازهای خوانندگان یا یادگیرندگان باشد.

با اینکه این تعریف فنی از ابرمتن، مورد توافق لاندو^۳ است، اما او به ابرمتن از دید نظریه پردازان پساساختارگرایی در خصوص ارتباطات، معرفت و قدرت، شامل اشتراکات پیچیده و چند جانبه آن ها، نگاه می کند. به نظر وی، موقعی که ابرمتن روشی برای ارتباطات تعاملی می شود، دیگر تنها یک رسانه بدیل نیست، بلکه تولید معرفت پویایی است که می تواند جای انتقال اطلاعات سلسله مراتبی را بگیرد (Landow 1992, 1994).

به هر حال، یکی از انگیزه های تدوین این رساله، اعتقاد به این است که فناوری (اینجا ابرمتن) تأثیرات و چالش های گوناگونی برای تعلیم و تربیت دارد. گرچه پژوهش های زیادی در مورد فناوری و به خصوص فناوری اطلاعات انجام شده است؛ اما در این رساله تأکید بر فناوری

^۱ - Hypermedia

^۲ - Ted Nelson

^۳ - George Landow

ابرمتن در عرصه تعلیم و تربیت دینی است. لاندو، مهمترین نظریه پرداز این عرصه، ابرمتن را تغییر ساده ای در رسانه، برحسب ادعاهای نظریه پردازان تربیتی سنتی، نمی داند، بلکه ابرمتن وسیله پویایی برای بازنگری تعلیم و تربیت است (Landow, 1992; 1994). لذا غلبه رویکرد جدید - رویکرد ابرمتن¹ - بر رویکرد یادگیری مبتنی بر متن و در نتیجه تضعیف نقش و جایگاه متن در فرایندهای یادگیری و آموزش متن محور² از جمله چالشهای مذکور است. بدین ترتیب، با توضیح ویژگی های ابرمتن، به رابطه ابرمتن با فهم دینی و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت دینی پرداخته خواهد شد.

رساله حاضر دارای پنج فصل است:

در فصل اول، مطالب کلی مربوط به موضوع پژوهش، به اختصار توضیح داده می شود. از این رو، ابتدا به تعریف و بیان مسئله پژوهش خواهیم پرداخت. پس از آن، طرح سوالات، فرضیه ها و هدف پژوهش، روش انجام پژوهش ارائه می گردد.

در فصل دوم ابتدا به بررسی ابرمتن از دیدگاه رسانه ای و سپس به توضیح ویژگی های ابرمتن و متن چاپی به عنوان دو فناوری پرداخته ایم. در این قسمت، ابرمتن به عنوان تجلی عصر پست مدرن در مقابل متن چاپی به عنوان تجلی عصر مدرن، از دیدگاه طرفداران نظریه ابرمتن، مورد بحث قرار می گیرد. در ادامه به توضیح ارتباط رسانه و دین، مفهوم دین، فهم دینی و تربیت دینی پرداخته می شود.

در فصل سوم به ضرورت اعمال فهم هرمنوتیکی در متن و ابرمتن اشاره می شود. پس از بررسی رویکردهای هرمنوتیکی گوناگون - عینی گرایی و تاریخ گرایی - و رابطه آنها با فهم دینی، رویکرد تلفیقی در فهم دینی مورد بحث قرار می گیرد.

در فصل چهارم، دلالت های تربیتی رویکرد تلفیقی و نقش متن و ابرمتن در این رویکرد بحث می شوند. اما در فصل پنجم، با مروری بر سوالات و فرضیات تحقیق به ارائه نتایج تحقیق پرداخته است.

¹ - Hypertextual approach

² - Text - Based

۱-۱- بیان مسأله:

طرفداران نظریه ابرمتن به خصوص جورج لاندو، معتقدند که فناوری ابرمتن تجلی عصر پست مدرنیسم است. ویژگی های ابرمتن، برحسب لاندو، همگرایی با نظریه های پست مدرنیسم، پسا ساختارگرایی و نظریه انتقادی دارد (Landow, 1992, 1994, 1997). مهمترین این همگرایی ها در تغییر انگاره ها دیده می شود. تغییر انگاره ها نوعی حرکت به سمت معرفت شناسی جدیدی است که بسیاری آن را معرفت شناسی پسا ساختارگرایی^۱ می نامند (Burbules & Callister, 1996). در این مورد بربراز. دانکن اشاره می کند که ابرمتن ادعا می کند که می خواهد استفاده کنندگان را به یک تفکر مختلف و متکثر تشویق کند و آنها را از عملیات خواندن سنتی خارج کند و بدین ترتیب ساختارزدایی را رایج کند (Duncan, 1997). چنانکه بعضی ها آن را با ایده عدم استمرار یا گسست^۲ دریدا (Landow, 1992) نیز یکسان دانسته است. بعضی دیگر از اندیشمندان سعی داشتند ابرمتن را با نظریه ریزوم یا معرفت شناسی ریزوماتیک دلوز^۳ و گوتاری^۴ تشبیه کنند. طبق دیدگاه مولتروپ^۵ ابرمتن با ریزوم مورد نظر دلوز که به تمرکز زدایی از شبکه های اطلاعات و دانش و انتقال از متن گرایی به چند-متنی^۶ و بین متنی^۷ تأکید دارد، شباهت دارد. در حقیقت ابرمتن قصد دارد تفکر غیر خطی^۸ متکثر یا انتقادی را نزد یادگیرندگان بسط دهد و تشویق کند (Moulthrop, 1994).
عده ای محیط ابرمتن را به محیطهای یادگیری سازنده گرایانه تشبیه کرده اند. محیطی که در آن دانش به واسطه تعامل فرد با محیط خودش ساخته و تفسیر می شود (popkewitz 1991). فرد یادگیرنده در تعامل با اینچنین محیطی، شناخت و تفسیر خود را خلق می کند و در نتیجه دانش ماهیتاً

¹ - post-structuralism
² - discontinuity
³ - Deleuze
⁴ - Guattari
⁵ - Moulthrop
⁶ - multi-textuality
⁷ - inter-textuality
⁸ - non-lineal thinking

مقوله ای شخصی خواهد بود. ویلیس معتقد است که ابرمتن اطلاعات را به واسطه ارتباطات همعرض و مشارکت دادن همه افراد، توزیع می کند و در نتیجه رابطه سلسله مراتبی سنتی درون متن ها را می شکند و مرزبندی های کاذب و فریبنده بین متن ها یا مولفان و خوانندگان را مورد نقد اساسی قرار می دهد (willis,1999). از منظر دونکن، ابرمتن تمایز و جدایی بین مولفان و خوانندگان را کم رنگ می کند؛ و به جای نظر مؤلف، زمینه رواج تفسیرها و دیدگاههای متفاوت و مختلف را فراهم می سازد و ارزش و جایگاه همه تفسیرها و ایده ها را در یک سطح برابر و مساوی قرار می دهد (Duncan,1997). ابرمتن بر نقش خواننده اصرار و تأکید می کند و به سمت موقعیت های معرفت شناسانه نسبی گرا سوق می دهد. همچنین در فضای ابرمتن هیچ متنی نمی تواند ادعای مرکزیت و تقدم داشته باشد و همه متن ها از نسبییت برخوردارند (Barbules&Callister,1996). این که در رویکرد ابرمتن، هیچ معنی و مقصود پیشینی (مقدم) و پسینی (نهایی) برای متون وجود ندارد و یا اینکه در ابرمتن هر کسی معنی مورد نظر خودش را می سازد (whalley,1990)، این نتیجه منطقی را در بر دارد که در رویکرد ابرمتن، ما با تفاسیر خلاقانه نسبی گرایانه و متکثری مواجه هستیم، به نحوی که امکان حذف هیچ تفسیر و دیدگاهی وجود ندارد. دانش نیز بنابراین ماهیتاً مقوله ای شخصی خواهد بود، که به واسطه تعامل فرد با محیط خود (محیط ابرمتنی) به وجود می آید. چنانکه پیشتر نیز اشاره نموده ایم، برخلاف آنچه که در ابرمتن از آن به مرگ مؤلف (Birkerts,1994) و یا کم رنگ شدن تمایز بین مؤلف و خواننده، تعبیر شده است. این امر در فراهم نمودن امکان طرح ایده های متضاد یا آنچه که به تعلیم تضاد و تباین تعبیر شده است (Gerald.1992) مؤثر می باشد.

همچنین فعالیت در رویکرد یادگیری ابرمتنی، متفاوت از فعالیت در فضاهای تعریف شده، رمزدار، مرزبندی شده و محدوده آن مبتنی بر متن و یا به تعبیری مسیر عقلانی و از پیش تعیین شده است، آنچه که پارکر ریس از آن رویکرد بالستیک¹ یاد کرده است (Rees, 2000). رویکردی که

¹ - Ballistic Approach

مسیر مستقیم حرکت در آن یک اصل مفروض شمرده می شود. اصول سلسله مراتبی، بازنمایی و انضباط، بیشتر حرکت بالستیکی را منعکس می کنند که امکان حرکت های آزادانه و بدون محدودیت های از پیش تعیین و تعریف شده را به افراد تحت تعلیم و تربیت نمی دهد. از سویی دیگر ابرمتن به جای متن شفاهی، متن نوشتاری را مورد تاکید قرار می دهد. تاکید بر نوشتن و نوشتار، یعنی محدوده زدایی و حرکت در جهات نامعین و چندگانه به منظور خلق هویت و معنی توسط یادگیرنده. در حالیکه در تربیت دینی خواندن از اهمیت بیشتری برخوردار است، چرا که در عمل خواندن، خواننده تعلق بیشتری به متن و معانی آن از خود نشان میدهد.

اگر با رویکرد استنتاجی با این منظر معرفت شناختی مواجه شویم، دلالت ها و پیامدهای خاصی را در حیطه تعلیم و تربیت دینی در برابر خود خواهیم یافت.

از سوی دیگر، ماهیت و چگونگی تربیت دینی تا حد زیاد به فهم دینی وابسته است. امروزه در فهم دین با دو رویکرد روبرو هستیم: رویکرد عینی گرایی و تاریخ گرایی. رویکرد عینی گرایی به تعیین مطلق متن قائل است، در مقابل عدم تعیین مطلق متن از دیدگاه تاریخ گرایی (واعظی، ۱۹۸۶). البته، هر کدام از این رویکردها به نحله های مختلفی برمی گردد. رویکرد عینی گرایی شامل مباحث تفسیری قدما، قرون وسطی و هرمنوتیک مدرن و ساختارگرایی است. اما رویکرد تاریخ گرایی به مباحث هرمنوتیک فلسفی، ساختار شکنی، پساساختارگرایی و پست مدرنیسم اشاره دارد. مباحث نحله های رویکرد اول متن محور یا مؤلف محور اند، در حالی که نحله های رویکرد دوم بر خواننده محوری مبتنی اند. متنی که مد نظرمان هست به سادگی عبارتند از متنی است که منعکس کننده گفتار خداوند یا مفسرش می باشد. به عبارت دیگر، هم مؤلف محوری و هم متن محوری است.

در مقابل ابرمتن، متن های دینی به خاطر اتکا به حقایق الهی، ماوراء الطبیعی و یا فرا روایت^۱، از سندیت و اقتدار بالایی برخوردارند. بنابراین، مرکزیت و تقدم متن های دینی سعی می کنند به طور مستقیم مخاطبان خود را تحت نفوذ خود قرار دهند و زمینه های تعهد^۲ به پیامها و

^۱ - meta-narrative

^۲ - commitment

معانی نهفته در متن را در آنان تقویت کنند. در واقع، فرایند تربیت دینی تلاش دارد خواننده را تحت الشعاع پیام حاکم بر متن از طریق توجه مضاعف به خود سخن و دیدگاه مولف (سخن خداوند، پیامبران، دینداران، نخبگان دینی) و جلوگیری از زمینه‌هایی که به تفسیرهای نسبی یک متن دینی منجر می‌شود، قرار دهد. در تربیت دینی، مؤلف نقش اصلی را داراست و فهم قصد و نیت مولف، از اهداف این فرایند محسوب می‌شود. چرا که متن‌های دینی، نه مقوله‌ای مشارکتی است و نه به شیوه ساختار شکنانه قابل تفسیر و تاویلند، بلکه سخن برتری هستند که فراتر از هرگونه فرایندهای مشارکتی، به خواننده عرضه شده‌اند. به طور خلاصه تربیت دینی، به معنی تربیت افراد دیندار می‌باشد. این تربیت ابعاد مختلفی را شامل می‌شود که عبارتند از: جنبه شناختی، جنبه باور و اعتقاد درونی و نهایتاً جنبه تعهد عملی (تعهد عملی به احکام و تکالیف دینی). به نظر می‌رسد این نگاه به تربیت دینی با رویکرد ابرمتن مزبور با چالش‌ها و تهدیدهای جدی مواجه خواهد بود.

اصول اساسی فرایند تربیت دینی همچون ایجاد باور همراه با تعلق، تعهد به معانی و پیامهای نهفته در متون دینی، آموزش برای تعهد، تأکید بر تجانس در فکر و رفتار، انتقال اطلاعات و دانش دینی، نقش الگویی معلمان، متن محوری آموزشهای دینی، در فضای ابرمتن مورد تردید واقع می‌شوند. علاوه بر این ابرمتن با تضعیف نقش فراروایت‌های دینی و در نتیجه نفی بازنمایی دینی¹، در واقع مشروعیت آن دسته از اطلاعات و دانش‌های تربیتی که بر فراروایتها از جمله فراروایت‌های دینی استوارند را به چالش می‌کشد. همچنین، تأکید مضاعف فضای ابرمتن بر نوشتن به جای صرف خواندن متن که خود به خلق هویت‌های سیال توسط یادگیرنده منجر می‌شود (Rees, 2000)، تقویت روند "شدن"² (Semtesky, 2003) و نفی رفتارهای نظم یافته و جزمی³ (Deleuze, 1987) و در نتیجه کمرنگ شدن جایگاه هویت‌ها و رفتارهای از پیش تعریف شده دینی، از جمله دیگر چالش‌های ابرمتن برای فرایند تربیت دینی به حساب می‌آید.

¹ - religious representation
² - becoming
³ - ordered and dogmatic

این که رویکرد ابرمتنی و رویکرد متنی چه چالش‌ها (فرصت‌ها و تهدیدهایی) را برای فهم دینی و تربیت دینی در پی خواهند داشت مسئله اصلی است که ذهن پژوهشگر در پژوهش حاضر در پی واکاوی ابعاد مختلف آن بوده است. ابرمتن و متن یکسری مفاهیم و روابط را خلق می‌کند، و توسط این مفاهیم و روابط می‌خواهند یادگیری را صورت بگیرد. این مفاهیم و روابط عبارتند از: قدرت خود متن، ماهیت خود محتوا، جایگاه معلم و یادگیرنده، جایگاه و ماهیت خود معرفت، هدف یادگیری، محیط یادگیری، راه‌های رسیدن به تفسیر یا شناخت، ارزیابی معرفت ... و غیره. این دو رویکرد هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی جدا و متمایز خاص خود دارند.

۱-۲- بیان سؤال‌های اصلی تحقیق:

- ۱- ویژگی‌های رسانه ابرمتن و متن چیستند؟ و رابطه رسانه با محتوا چیست؟
- ۲- رابطه متن و ابرمتن به عنوان دو رسانه با مسئله هرمنوتیک متون چیست؟ و چه رویکردهای هرمنوتیکی نسبت به فهم وجود دارد و آیا تلفیق آنها ممکن است؟
- ۳- اگر امکان تلفیق بین رویکردهای هرمنوتیکی وجود دارد، چه دلالت‌های تربیتی می‌شود استخراج کرد؟
- ۴- نقش متن و ابرمتن برای تعلیم و تربیت دینی مبتنی بر رویکرد تلفیقی چیست و چه چالش‌هایی برای آن ایجاد می‌کنند؟

۱-۳- فرضیه‌ها :

- ۱- متن (چاپی، نوشتاری) منعکس‌کننده تفکر سستی و مدرن در حالیکه ابرمتن تفکر پست مدرنیسم و پساساختارگرایی را اعمال می‌کند.